

آینه‌های روبه‌رو

گفت‌وگو باهما یون امامی – پژوهشگر مستندساز باید به هر قیمتی فیلمش را بسازد شادی خوشکار

■ بررسی سینمای مستند و مسایل آن می تواند یکی از کارهایی باشد که به این نوع سینما در ایران بیشتر پرداخته شود. در پاسخ‌های هما یون امامی بیشتر بر نقش نهادهای سینمایی دولتی که از یک نظر تولید رشد و گسترش سینمای مستند را بر عهده دارند تاکید شده و با توجه به اندک بودن مجال به نقش تلویزیون نیز پرداخته‌ایم. و این در حالی است که به عقیده این مستندساز و پژوهشگر تلویزیون به عنوان بزرگ‌ترین مصرف کننده فیلم مستند نقش بسیار مهمی در گسترش و رشد فیلم مستند دارد؛ نقشی که از یک دیدگاه می‌توان آن را کمتر از نقش نهادهای دولتی متولی گسترش سینمای مستند، ارزیابی نکرد.

بزرگ‌ترین مشکل در سینمای مستند را چه می‌دانید؟

سوال‌ها بسیار کلی طراحی شده‌اند؛ و طبعاً پاسخ‌هایی کلی نیز می‌طیند. شاید بهتر باشد از مشکل‌های مهم سینمای مستند صحبت کنیم. به نظر من نخستین مشکل مهم این است که جایگاه سینمای مستند در ارتباط با بدنه سینمای ایران از تعریف و تبیین نشده است. چنانچه این مهم صورت می‌گرفت و به سینمای مستند بهای لازم داده می‌شد، به قابلیت و ظرفیت اقتصادی فیلم مستند بیشتر توجه می‌شد و در چنین شرایطی بحث فرهنگ‌سازی مخاطب هم به موازات آن شکل می‌گرفت و سینمای مستند از بن‌بست فعلی بیرون می‌آمد. در جوامعی چون جامعه ما که واقعیت‌گرایی و نیز واقعیت‌نمایی، گاه تا حد یک جرم تلقی می‌شود، سرنوشت سینما در هر اثر واقع‌گرای دیگر – نمی‌تواند سرنوشت بهتری داشته باشد.

چه کار باید کرد که سینمای مستند بیشتر مورد توجه قرار بگیرد؟

اگر منظور دولت و در مجموع معاونت سینمایی است که اتخاذ سیاست‌های حمایتی از طریق حذف موانع نظارت و ارزشیابی اعمال نوعی تساهل در صدور پروانه ساخت و پروانه نمایش، رفع موانع ممیزی و دخالت‌های بی‌مورد در اندیشه و قضاوت مستندساز نسبت به موضوع فیلم، تقویت‌بخش خصوصی و ایجاد امنیت در عرضه فیلم مستند، بازگذاشتن مسیر آشنایی علاقه‌مندان و مستندسازان با آخرین پیشرفت‌های جهانی فیلم مستند، برقراری ارتباط با نهادهای و شبکه‌های مستندسازی سراسر جهان، برقراری نشست‌های برنامه‌های هم‌اندیشی در مطالعه و تحلیل موقعیت سینمای مستند امروز ایران و آسیب‌شناسی آن و...، راستش پرسش‌های تکراری‌ای از این دست که هزاران بار مطرح شده‌اند، شوقی بر نمی‌انگیزند.

وظیفه مستندسازان در این باره چیست و آنها چه کار باید بکنند؟

مستندساز باید بتواند به هر قیمتی فیلمش را بسازد. فزونی تولید فیلم مستند کار مهمی است که بر توسعه فیلم مستند بی‌تأثیر نیست. البته وقتی از یک فیلم مستند نام برده می‌شود، منظور این است که در تناسبی خلق با سینما و واقعیت قرار داشته باشد.

ساختن مستندهای سطحی‌نگر اطلاعاتی که متأسفانه به غلط از آن بعنوان مستند گزارش می‌یاد می‌شود، فعالیت دیگری است که جداگانه باید به آن پرداخت. متأسفانه ما در شرایطی قرار داریم که چه در حوزه ادبیات سینمایی و چه در حوزه آشنایی با تکنیک‌ها و سبک‌های جدید سینمایی در فقری شدید به‌سر می‌بریم؛ بنابراین به مصداق ضرب‌المثل معروفی که می‌گوید بچه بنیم نافش در خودش می‌برد، باید خود با گسترش مطالعه و دسترسی به آثار مستند روز جهان، افق‌های دید و مهارت‌های مستندسازی خودمان را گسترش دهیم.

آیا اینکه گفته شده از فیلم‌های تلخ حمایت نمی‌کنیم، می‌تواند تأثیری در روند فیلمسازی داشته باشد یا خیر؟

ببینید تنها این حرف و این سیاست نیست که به رشد سینمای مستند ضربه می‌زند؛ بلکه وجود این اندیشه است که خود را محق می‌داند تا با داوری و تفسیر یک مستندساز به بهانه اینکه تلخ است، مخالفت کرده و او را از ساد‌ترین امکانات و حقوق اولیه‌ای نظیر گردش نمایش داخلی و ارایه آن به بازارهای جهانی فیلم محروم سازد. در بالا هم یکبار دیگر به این موضوع اشاره کردم که ویژگی یک اثر قابل قبول مستند را در گرو تناسب با سینما و نیز تناسب با واقعیت می‌دانم. این تناسب، یعنی نفوذ ناست‌درونی‌ترین لایه‌های واقعیت و به دست دادن تصویری راستین از سرشت پنهان هر پدیده یا واقعیت که مستلزم نوعی ژرف‌نگری و برخورداری از نوعی آزادی بیان است. بی‌هیچ واهمه‌ای از انصاف به تلخ‌اندیشی.

آیا برگزاری جشنواره‌ها می‌تواند کمک کند یا نه؟

بی تردید، ولی باید پرسید کدام جشنواره؟ با کدام سطح کیفی؟

۱۷۰ روز پیش بود که بحث تأثیرگذاری قطع پارانه‌ها بر سینمای ایران آغاز شد. تهیه‌کنندگان و سینماگران هر کدام به نوعی نگرانی‌ها و انتظارآتشان را عنوان کردند. جلسه‌هایی بر گزار شد و مسوولان مدام اعلام کردند که این اتفاق تأثیری بر تولید و ساخت فیلم‌ها یا به طور کلی بر سینمای ایران نخواهد گذاشت. هر زینه‌های جاری نگهداری سینما با توجه به افزایش قیمت آب و برق و گاز بالا رفت و به اینها باید افزایش سه‌درصدی مالیات را نیز اضافه کرد. در روزهای قبل از عیدو یکی دو ماه بعداز قطع پارانه‌ها، صابری سخنگوی شورای صنفی اکران اعلام کرد که بلیت سینماها باید افزایش یابد تا سینمااز سبد فرهنگ‌خانواز حذف نشود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تاریخ ۹ آذر سال ۸۹ اعلام کرد: «می‌خواهیم سبد خانوار از محصولات فرهنگی خالی شود، بلکه تأکید ما بر این است که این سیدرو به روز حجم بیشتری از محصولات فرهنگی را در بر بگیرد. پارانهایی که در حوزه فرهنگ و هنر بوده، همچنان وجود دارد و هیچ تغییری نکرده‌است. ما از قبل در راستای هدفمند کردن پارانه‌ها حرکت کرده‌ایم، چه در زمینه حمایت‌هایی که از تولیدکننده می‌شود و چه امکاناتی که در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد. البته چاردار که باز هم در این زمینه جهت‌گیری دیگر و فعالیت‌های بیشتری داشته باشیم.» جواد شمقدری معاونت سینمایی تأکید کرده بود که هدفمندی پارانه‌ها تأثیری بر سینمای ایران ندارد. میرعلایی مدیرعامل بنیاد فارابی که مسوولیت اعطای وام و پرداخت امکانات به سینماگران را بر عهده دارد، تأکید کرده بود: «بحث هدفمندی پارانه‌ها هیچ تأثیر بدی در سینما ندارد و از این بابت جایی برای نگرانی سینماگران وجود ندارد.» وی تحلیل کرده بود: «اگر قرار باشد شوک اقتصادی به زندگی مردم وارد شود و این شوک ولواتی مدت باشد، قطعاً فرهنگ جامعه متضرر خواهد شد و با توجه به تأثیرگذاری فرهنگ و به ویژه سینما در زمینه‌های مختلف یی شک لازم است که مسوولان توجه ویژه‌ای به این بخش داشته باشند، اگر آسیب‌های ناشی از شوک فرهنگی را نادیده بگیریم، غفلتی بزرگ و نابخشودنی صورت می‌گیرد» و نوید داده بود: «سوسید بیشتر زمانی در اختیار سینماگران قرار می‌گیرد که هنرهای تولید بالا رفته باشد» اینک پس از گذشت این روزها با سینماگران در این زمینه سخن گفته‌ایم.

نمی‌توانیم بالا رفتن قیمت‌ها را جبران کنیم

غلام‌رضا موسوی پارانه‌هایی که تا پیش از این به فیلم‌های سینمایی تعلق می‌گرفت را قابل ملاحظه نمی‌داند: «اصل پارانه یک فیلم به نگاتیو تعلق می‌گیرد و حداکثر مبلغ آن پنج، شش میلیون تومان است که مبلغ مهمی نیست که قطع یا وصل شدن آن مساله‌ساز شود اما بحث اصلی در این زمینه افزایش قیمت‌هایی است که در اثر حذف پارانه‌ها اتفاق می‌افتد و غیرقابل کنترل است. به عبارتی کنترل آن دست عوامل تولید نیست. هنرینه وسیله نقلیه، خوراک، اقامت و... که روز به روز گران می‌شود. در شرایطی که نمی‌توان قیمت بلیت افزایش داد، در نتیجه نمی‌توانیم بالا رفتن هنرینه‌ها را جبران کنیم.» رئیس شورای عالی تهیه‌کنندگان تأکید می‌کند «در این زمینه

بخش اول این گفت‌وگو روز یکشنبه منتشر شد و در آن خسرو سینیایی درباره زبده کار کردن و نگرشش در پی می‌آید.

■ ■ ■

محتوای فیلم مستند باعث آشنایی مردم در سراسر دنیا با یکدیگر می‌شود. حالا اینکه چقدر واقعی است و چقدر نیست خودتان نکته است. اما فرض بر این است که یک واقعیتی را دارد عرضه می‌کند. به هر حال کشور ما در طول تاریخ به دلیل مسایل مختلف همواره زیر ذره‌بین است و به آن توجه دارند. مستندسازان مان هم از این قصبه مجزا نیستند و فیلم‌هاشان در سراسر دنیا خیلی دیده شده. می‌خواهم نظر شما را بدانم که چقدر آن تصویری که دارد ارایه می‌شود منطقاً با توافقات لاقال خود آدم‌های عادی که در این جامعه زندگی می‌کنند، است؟

ببینید، اصلاحات واقعیت نیست. همه مستند که پرداختن به واقعیت نیست. شما خیلی از مسایل را می‌توانید توضیح دهید که شاید امروز وجود ندارند. ما در فیلم «قصه کوتاه چند هزار ساله» می‌خوایستم تأثیر اعتقادات حاکم بر زمانه را در شکل گرفتن هنر‌ها نشان دهیم که البته نباید خود حدود ۱۰ فیلم شود که متأسفانه بعد از ساخت اولین فیلم، فولاد مبار که رویه‌اش عوض شد و تصمیم گرفت به جای فیلمسازی روی فوتبال سرمایه‌گذاری کند و ماجرا ادامه پیدا نکرد. همیشه می‌گویم این فیلم بنا بود مقدمه ۱۱ – ۱۰ فیلم بعدی باشد. در اینجا ما هیچ چیز نداشتیم. هیچ واقعیت موجودی نداشتیم. ماجرا بر می‌گشت به شروع انسان که از کجا می‌آید. ماجرا بر می‌گشت به بت‌پرستی. بر می‌گشت به دوران‌های باستانی. اینها هیچ کدام وجود نداشت، ما ناچار شدیم اینها را خلق کنیم یعنی از عواملی استفاده کنیم که وجود نداشتند.

منظورم بیشتر این است که آن تصویر چقدر منطق‌بر در خواست از فیلمسازانی است که دارند تصویری از ایران نشان می‌دهند. به هر حال آن فیلمسازان چه به جامعه جهانی در ارتباط است می‌داند چه خواستی از او وجود دارد و کارش چقدر مطابق با واقعیت است.

من یک نکته‌ای را به شما بگویم. یک سوال اصلی است که آی می‌توان بی‌طرف بود؟ نه! شما عملی را که انجام می‌دهید در محدوده ذهنیت خودتان هر چقدر هم سعی کنید منصف باشید، هر چقدر هم سعی کنید از هیچ‌گونه سلیقه یا دزدانه خود شخصی استفاده نکنید اما به هر حال با ذهن خودتان دارید این کار را می‌کنید. با ذهن یک نفر دیگر نمی‌توانید این کار را بکنید. ولی ذهن شما طرفداران و مخالفان خود را دارد. من ایران را چگونه می‌بینم؟ اولین جواب این است که چگونه می‌خواهی ببینی یا چگونه می‌توانی ببینی. این یک بحث خیلی اساسی است. من می‌توانم ایران را به عنوان مهم‌ستاره شویذ یا برای اینکه عاشق ستاره شویذ بود؟ یا برایتان مهم

سینمای ایران

سینماگران از هدفمندی یا رانه‌ها می‌گویند

۵۰درصد افت مخاطب، ۵۰درصد افزایش هزینه



کاری از سینماگران ساخته نیست و تأثیرات حذف پارانه‌ها خارج از اراده‌شان است.» او در مورد حمایت سیاست‌گذاران از سینما و تأثیرات این اتفاق می‌گوید: «حمایت‌ها باید تعریف شده باشند. در این صورت اگر با هدف رشد سینما صورت بگیرند باعث وابستگی نمی‌شوند. در حال حاضر از بعضی فیلم‌ها صدر صد حمایت می‌شود و در مقابل از بعضی دیگر هیچ حمایتی صورت نمی‌گیرد.» حمایت در زمان اکران فیلم‌ها، به‌صورت شناسایی و معرفی آثار از طریق تلویزیون و امکانات تبلیغاتی دیگر که می‌تواند در اختیار سازندگان قرار گیرد، بخشی از حمایت‌های تعریف‌شده موردنظر موسوی است. او اضافه می‌کند: «هر کاری که بخواهیم انجام دهیم باید ابتدا بدانیم در آینده چه اتفاقی می‌افتد. به عبارت دیگر بر نامه داشته باشیم و هدف‌های مان را شناسایی کنیم.»

پیشنهاد پیش خرید بلیت‌ها

محسن علی‌اکبری نتیجه حذف پارانه‌ها را افت ۵۰ درصدی مخاطبان و افزایش ۵۰ درصدی هزینه‌های تولید می‌داند و اضافه می‌کند: «رهاکاری که برای این مشکل پیش‌بینی شده، پیش خرید بلیت‌ها توسط دولت برای کارمندان است. به این وسیله می‌توان بخش عمده‌ای افت و خیز را جبران کرد.» علی‌اکبری ضمن دفاع از حذف پارانه‌ها از تبعات مثبت آن هم ب‌دام می‌کند: «بحث حذف پارانه‌ها در طولانی مدت مثبت است زیرا تثبیت قیمت‌ها را به همراه دارد و از نوسانات روزبه‌روز جلوگیری می‌کند، در صورتی که دولت سال اول از سینما حمایت کند، حسن بزرگ این اتفاق این است که هر سوزه‌ای کار نمی‌شود زیرا هر کسی جرأت نمی‌کند فیلم بسازد. در این صورت تنها متخصصان به سراغ سوزه‌هایی می‌روند که در درد جامعه بخورد. این مساله فیلمسازی را تداوم خواهد بخشید.» او امکان وابسته‌شدن سینما به دولت را بر اثر حمایت‌هایی که باید در سال اول حذف پارانه‌ها صورت بگیرد،

گفت‌وگو با خسرو سینیایی – بخش دوم

نمی‌توان بی‌طرف بود

است که معروف شویذ؟ یا همه اینها، سینما خودش با یک دوربین و سایر وسایل سمعی و بصری یک ابزار است. جز ابزار چیزی نیست. دوربین یک ابزار است. وسایل صدا ابزار است. این دیگر بستگی به آن کسی دارد که چگونه می‌خواهد از این ابزار استفاده کند. هر کدام هم جای خودشان را دارند. من این را می‌خواهم بگویم اینجا، آنجایی است که من با نوع بر خورد با سینما مشکل دارم. اینجا، آنجایی است که همه فیلم‌ها را نمی‌توانی در یک فستیوال نگذاری. من شخصاً فکر می‌کنم هر فیلمی را باید با کلید خودش باز و از گشایی و تماشا کرد، چنانچه هر کتابی را. شما اگر یک کتاب فلسفی سنگین را تصمیم می‌گیرید بخوانید شیرازی روحی‌ای که برای خودتان می‌سازید متفاوت است با شرایطی که یک داستان واروقی هفتگی را می‌خوانید. هر کدام جایگاه خودش را دارد. هر کدام هم در جایگاه خودش اگر به درستی قرار بگیرد ارزش خودش را دارد. این است که به نظر من فیلمساز قبل از هر کاری باید کشف

هر چیزی هم شناسی می‌تواند از آن در بیاید. ولی وقتی که ذهن آدم تربیت شده باشد و بداند چه می‌خواهد بگوید و به کجا می‌خواهد برسد آن وقت است که در ذهن ناان جافته‌د و می‌داند چه پلانی بگیرد.

این نگاه در سینما و مستندهای تان خیلی شاخص است. مثلاً در فیلم

«سردی آهن» شما ظاهر ای‌کس‌ری

رویداد ساده را به شکلی تاریخی روایت می‌کنید ولی واقعاً از چه ذهن آدمی ساخته شده که متفکر است و چار چوب ذهنی خودش را دارد. حتی مقدار زیادی شاعرانه است. ببینید هر وقتی که به دلیلی سینما را انتخاب کرده‌است. من سینما را انتخاب کردم به خاطر اینکه در سینما به ترکیبی می‌رسیدم از هنرهایی که سال‌های قبل با آنها سر و کار داشتم. من با شاعر و ادبیات شروع کردم. بعد به موسیقی پرداختم. بعد چهار سال در دانشکده معماری خواندم. پنج سال به‌طور آکادمیک موسیقی خواندم و اگر سینما را انتخاب کردم به این دلیل بود که من آن رشته‌ها را نمی‌توانستم در سینما استفاده کنم. پس برای من سینما اصلاً یک مقله هنری است. اگر این نباشد، نه اینکه بگویند آن یکی بد است، اما اگر آن نباشد برای من جالب نیست. البته گفتم برای سرگرمی و... اشکالی نمی‌بینم. اما یک اساس را هم همیشه مطرح کردم. گفتم هر چیزی در جای خودش درست است. یعنی چه؟ یعنی اینکه شما سینما را چر انتخاب کردی؟ برایتان مهم است یا نه؟ شما شویذ؟ یا برای اینکه عاشق ستاره شویذ بود؟ یا برایتان مهم

نگاه

خانه سینما عاری از تخلفات مالی است



محمد سریر

■ هیچ نهاد حسابرسی نیز تاکنون نظری در تایید تخلفات مالی خانه سینما بیان نکرده است. در مورد اختلافات پیش آمده میان خانه سینما و معاونت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقدم، سیاست گذاری‌های انجام شده روی حوزه‌ها بر اساس اولویت‌ها صورت می‌پذیرد.

این سیاست گذاری‌ها و قوانین شاید گاهی به مذاق برخی اعضا به سبب ناآگاهی کلی از اصل موضوع خوش نیاید، به‌طور مثال شاید جشنی به‌منظور جذب حامی مالی (اسپانسر) برگزار شود اما اعضای که از نیت اصلی برگزارکنندگان این میهمانی با خبر نیستند تنها مخارج آن را می‌بینند. طی سه دوره‌ای که افتخار حضور در جمع هیات مدیره خانه سینما را داشتم به زرس قاطع می‌توانم بیان کنم که کوچک‌ترین تخلف مالی در این نهاد ندیده‌ام، چنانکه تاکنون هیچ نهاد حسابرسی نیز نظری در تایید تخلف مالی خانه سینما بیان نکرده است. شاید برخی جشن‌ها آن هم بنا به مصالحی، مخارج زیادی در پی داشته، اما مطمئناً تاکنون هیچ پرداخت غیرواقعی در خانه سینما صورت نگرفته است. مدیریت یک نهاد مدنی توسط افراد، همانند سفارش تولید موسیقی به ۱۰ اهنگساز برای یک فیلم است، به طوری که در پایان شاهد خروجی ۱۰ نوع موسیقی با تفکرات متفاوت هستیم.

نگاه مدیریتی به بخش‌ها و نهادهای فرهنگی بسیار مهم است. گاهی این دیدگاه به یک نهاد فرهنگی در راستای یک همکار و یک بخش تخصصی است و برخی مواقع نیز دیدگاه متولیان بر مبنای کارفرمایی است و باید کار گزار به دستورات مافوق خود عمل کند. معتقدم دیدگاه نخست در حوزه فرهنگی بسیار کارا تر از نگاه دستوری است و می‌تواند موجب تسریع در روند رشد هنر در جامعه شود. نهادهای مدنی در حوزه‌های فرهنگی نیز در همین راستا تشکیل شده‌اند تا بدون فشارهای رایج بتوانند آزادانه‌تر دست به خلاقیت‌های جدید بزنند.

اگر دیدگاه دستوری در حوزه‌های فرهنگی حاکم شود، به‌طور طبیعی دیگر روابط سالمی در بین نهادهای مدنی و دستگاه‌های حاکمیتی وجود نخواهد داشت و همین امر نیز در نهایت سبب ضربه پذیری هر چه بیشتر فرهنگ و هنر جامعه خواهد شد. این گونه رفتارها سبب افزایش سوء تفاهم‌های بیشتری می‌شود. معتقدم تلاش‌های مناسبی صورت گرفته تا این نوع دیدگاه تعدیل یافته و نگاه دیگری جایگزین شود اما متأسفانه با تمامی زحماتی که در این مورد از طرف بزرگان این هنر صورت پذیرفته، نتیجه مطلوبی حاصل نشده است. شاید سیاست رایج حوزه فرهنگی کشاند. نباید تفکلهایی مستندسازان گرایه دارند که استقبال نمی‌شود و هم مردم خیالی به مستندها روی خوش نشان نمی‌دهند. به نظر می‌رسد کمشده‌ای وجود دارد که به مباحث فرهنگ می مرتبط است. چطور می‌توان نزد مردم جذابیت برای فیلم مستند ایجاد کرد؟

هیچ‌کس نمی‌تواند سره را از ناسره تشخیص دهد. مستندهای مدنی می‌توانند به عنوان ابزارهای محکمی در جهت پیشرفت جامعه تلقی شود و معتقدم اگر از این نهادها به درستی بهره گرفته نشود به‌طور یقین در بلندمدت لطمات جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. هر چند که نظارت دولتها روی نهادهای مدنی در تمامی کشورها یک امر طبیعی است اما این نظارت‌ها باید روی اصول و چارچوبی قاعده‌مند صورت پذیرد. نظارت ارگان‌های دولتی عموماً روی مسایل مادی و رفتاری سازمان‌های مدنی است. اختلاف میان معاونت امور سینمایی و خانه سینما روی این مسایل متمرکز نبود و متأسفانه بود و نبود افرادی خاص سرچشمه این مشکلات شده است. باید بر اساس منافع ملی این‌گونه اختلافات کنار گذاشته شده و سعی شود در مذاکره‌ای مستقیم بدون سوءنیت و پیش‌داوری‌ها به تفاهمی دو جانبه دست یافت تا سینمای کشور بیش از گذشته در مسیر پیشرفت قرار گیرد.

منبع: ایرنا

آینه‌های روبه‌رو

طرفداران ایرانی جشنواره

■ جشنواره سینمایی کن در طول این سال‌ها برای مسوولان سینمایی ایران جذاب بوده است. آنان از چند روز مانده به آغاز جشنواره راهی آن می‌شدند و در این اتفاق بزرگ با دست پر با خالی شرکت می‌کردند. امسال خبر رسیده که سهم ایران در این جشن بزرگ که یکسال آن را منع می‌کنند و سال دیگر به آن ارج می‌نهند دو فیلم است. دو فیلم از کارگردانی که چندی مورد غرض قرار گرفته بودند. روز شنبه مسوولان برگزار ی جشنواره کن اعلام کردند: ««این فیلم نیست» اثر جعفر پناهی در بخش مسابقه و فیلم «به امید دیدار» ساخته محمد رسول‌اف در بخش نوعی نگاه این جشنواره معتبر نمایش داده خواهند شد.»